

اصل «۷۱» قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان

محمد فتحی^{۸۸}

اصل هفتاد و یکم

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

در مورد قلمرو صلاحیتی مجلس بنابر اصل «۷۱» قانون اساسی، در بین حقوق دانان حداقل دو نظر متفاوت وجود دارد. به ویژه این نظر که با توجه به مدلول اصل «۷۱» قانون اساسی، صلاحیت تقنینی مجلس شورای اسلامی به نحو عام از حیث قلمرو موضوعی را مورد تأکید قرار داده‌اند و عقیده دارند قید را در حدود مقرر در قانون اساسی نه قید موضوع صلاحیت بلکه قید کیفیت و نحوه اعمال قانون‌گذاری مجلس می‌شود؛ یعنی مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و قانون اساسی مغایرت داشته باشد. بر این اساس، هیچ موضوعی از موضوعات عمومی و مبتلابه جامعه نخواهد بود که مجلس حق ورود تقنینی به آن را نداشته باشد و تنها موظف است صلاحیت تقنینی خود را به نحوی اعمال نماید که در نهایت مصوبه مجلس مغایر موازین شرعی و قانون اساسی نباشد. از آنجا که براساس قانون اساسی تفسیر قانون به عهده شورای نگهبان است، مصادیق ذیل که توسط آقای فتحی احصاء شده نشان دهنده آن است که:

قید در احکام، به موضوع حکم برمی‌گردد و نه کیفیت حکم و نباید دلالت مصادیق آمده در مقاله آقای فتحی اصل «۷۱» به موارد خروج تخصصی از صلاحیت تقنینی مجلس و اصل «۷۲» به موارد خروج تخصصی اشاره دارند.

۱- نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی

۱-۱- نظر شماره ۸۷۷۰ مورخ ۱۳۶۲/۳/۱۲ شورای نگهبان در خصوص طرح تأسیس وزارت اطلاعات

جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی:

۱-۱-۱- نظر به اینکه به موجب اصل ۷۱ قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع نماید» و طبق اصل «۶۰» «اعمال قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً به عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزراء است»، قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی در رابطه با نماینده مقام رهبری در وزارت اطلاعات، خارج از حدود مصرح در قانون اساسی است؛ بنابراین ماده «۲»^{۸۹} با اصول «۶۰» و «۷۱» قانون اساسی مغایر است.

۸۸- پژوهشکده شورای نگهبان

۸۹- برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل شصتم، شماره ۱-۹-۱.

۱-۲- نظر شماره ۴۷۳۵ مورخ ۱۳۶۴/۷/۳۰ شورای نگهبان در خصوص لایحه لغو لایحه قانونی شمول قانون استخدام کشوری به کارمندان غیرنظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۷/۱۱ مجلس شورای اسلامی:

۱-۲-۱- نظر به این که این مصوبه به قوانین دوره گذشته که از تاریخ ۱۳۵۹/۳/۵ رسماً ملغی شده حاکمیت می‌بخشد، بدون طرح مواد آن در مجلس شورای اسلامی و اعمال شور و اظهار نظر نمایندگان محترم پیرامون آن، صورت قانون‌گذاری ندارد؛ با اصل «۷۱» قانون اساسی مغایرت دارد.^{۹۰}

۱-۳- نظر شماره ۸۰/۲۱/۲۷۱۶ مورخ ۱۳۸۰/۹/۹ شورای نگهبان در خصوص طرح تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۸/۱۳ مجلس شورای اسلامی

۱-۳-۱- در ماده «۲۰» در صورت تغییر مفاد قانون تنها سرمایه‌گذاران خارجی از حمایت‌های این قانون برخوردارند که نسبت به سرمایه‌گذاران داخلی تبعیض ناروا می‌باشد؛ لذا اشکال بند «۳» [حمایت سرمایه‌گذاری خارجی به نحوی است که در مواردی با شرایط مساوی موجب رجحان ایرانیان خارج از کشور بر اتباع ایرانی مقیم کشور و موجب تبعیض ناویرا است.] به قوت خود باقی است و چون به نحوی اختیار قانون‌گذاری در این خصوص محدود شده است، لذا مغایر اصل «۷۱» قانون اساسی نیز شناخته شد.^{۹۱}

۱-۴- نظر شماره ۸۰/۲۱/۳۰۸۹ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۷ شورای نگهبان در خصوص طرح اداره سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران^{۹۲} مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۳ مجلس شورای اسلامی:

۱-۴-۱- ماده «۳» و تبصره‌های آن علاوه بر ایرادات ماده «۲»، اشکالات ذیل را دارد:

تعیین سه نفر توسط مجلس شورای اسلامی برای عضویت در شورای عالی سیاست‌گذاری موضوع بند «الف»،^{۹۳} چون خارج از وظایف و اختیارات مجلس است، لذا مغایر اصول «۵۸» و «۷۱» قانون اساسی شناخته شد.

۹۰- ماده واحده- لایحه قانونی شمول مقررات قانون استخدام کشوری به کارمندان غیرنظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹/۳/۵ شورای انقلاب اسلامی ایران نسبت به کارمندان غیرنظامی ارتش و کارمندان فنی غیرنظامی ژاندارمری که به علت مشکلاتی اجرا نشده است، کأن لم یکن تلقی و مقررات استخدامی سابق کماکان از ۱۳۵۹/۳/۵ قابل اجرا است.

تبصره ۱- کارمندان غیرنظامی و غیرفنی ژاندارمری و شهرداری جمهوری اسلامی ایران از این قانون مستثنی بوده و کماکان تابع مقررات مصوب شورای انقلاب خواهد بود.
تبصره ۲- مقررات آئین‌نامه استخدام کارمندان غیرنظامی در ارتش مصوب ۱۳۵۴/۱۲/۳ تا تصویب طرح قانونی اصلاح قوانین ارتش کماکان قابل اجرا می‌باشد. (در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه به سرانجام قانونی نرسیده است).

۹۱- ماده ۲۰- سرمایه‌گذاران خارجی که براساس این قانون اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند، در صورت تغییر مفاد قانون کماکان از حمایت‌های آن برخوردار می‌باشند، مگر این که قانون بعدی شرایط مناسب‌تری را به وجود آورد.

برای آگاهی تفصیلی نسبت به بقیه مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل دوم، شماره ۱-۳-۱.

۹۲- گفتنی است این طرح ابتدا با عنوان «طرح اصلاح قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۸» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن در هنگام بررسی در مجلس، تغییر کرده است.

۹۳- برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل پنجاه و هشتم، شماره ۱-۶-۱.

۵-۱- نظر شماره ۸۲/۳۰/۲۹۴۴ مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۷ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۲/۱/۱۹ مجلس شورای اسلامی:

۱-۵-۱- ماده یک: ۹۴

الف- ...

د- شمول دستگاه‌های حکومتی در مورد خبرگان رهبری و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آن‌ها اختیار یا وظیفه‌ای داده است نسبت به تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال این اختیار و مسئولیت، خلاف اصول مربوط قانون اساسی از جمله «۷۱»، «۷۳»، «۸۵»، «۹۴»، «۹۶»، «۹۸»، «۹۹»، «۱۰۷»، «۱۰۸»، «۱۰۹»، «۱۱۲»، «۱۵۶» شناخته شد.

۱-۵-۲- ماده دو: ۹۵

الف- صدور دستور توقف در خصوص تصمیمات و اقداماتی که مطابق قانون اساسی مسئول مشخص دارد، خلاف اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول «۷۱»، «۸۵»، «۹۴»، «۹۶»، «۹۸»، «۹۹»، «۱۰۷»، «۱۰۸»، «۱۵۹»، «۱۵۶»، «۱۱۲» و «۱۷۵» شناخته شد.

و نیز عبارت «هریک از قوا و نهادهای حکومتی» همان ایرادات شرعی و قانون اساسی جزءهای «الف»،

۹۴- ماده ۱- متن زیر و تبصره ذیل آن به انتهای ماده (۱۳) اضافه می‌شود:

رئیس‌جمهور می‌تواند وظایف مربوط به نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری و بررسی را از طریق هیأتی متشکل از افراد صاحب‌نظر در امور حقوقی و اجرایی به نام هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انجام دهد. کلیه دستگاه‌های حکومتی موظفند با هیأت منصوب از سوی رئیس‌جمهور همکاری لازم را ننموده و به مکاتبات هیئت در ارتباط با قانون اساسی و چگونگی اجرا یا نقض آن در اسرع وقت مناسب، حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ وصول، پاسخ لازم را همراه با توضیحات کافی ارائه داده و کلیه اطلاعات، اسناد و مدارک درخواست شده را در اختیار هیأت قرار دهند و امکان بازرسی را فراهم نمایند. تبصره- متخلف به دادگاه صالح یا هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری حسب مورد معرفی می‌شود و در صورت اثبات تخلف به مجازات سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

(در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه به سرانجام قانونی نرسیده است).

۹۵- ماده ۲- ماده «۱۴» به شرح زیر اصلاح و سه تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۱۴- در صورت توقف، نقض یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی، رئیس‌جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند ضمن دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده برخلاف قانون اساسی، مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه در هر یک از قوا و نهادهای حکومتی برساند و علت توقف، نقض یا عدم اجرا را خواستار گردد. مقام مسئول موظف است در اسرع وقت مناسب، حداکثر ظرف مدت دو ماه پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس‌جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی و تشخیص رئیس‌جمهور، توقف یا نقض یا عدم اجرا همچنان ثابت باشد، رئیس‌جمهور نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف، اقدام لازم را معمول و از جمله دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده برخلاف قانون اساسی را صادر می‌نماید و پرونده امر را برای تعقیب متخلف، به مراجع صالح اداری و قضایی ارسال می‌دارد. متخلف برای بار اول به یک تا سه سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

(در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه به سرانجام قانونی نرسیده است).

(ب)، (د)، (ه) بند «۱» [ایراد مذکور در بند ۱-۵-۱] را دارد.

۱-۵-۳- تبصره یک ماده دو: ۹۶

الف- چون مستفاد از اصول قانون اساسی این است که رسیدگی قضایی در تمام مراحل از ابتدا تا قطعیت حکم به عهده قوه قضائیه و محاکم دادگستری است، ورود رئیس‌جمهور در پرونده‌های قضایی و احکام صادره از این جهت مغایر اصول «۳۶»، «۱۵۶» و «۱۵۹» قانون اساسی شناخته شد و الزام قوه قضائیه و محاکم و قضات به رسیدگی، به صرف درخواست رئیس‌جمهور، دخالت در امر قضا و موجب اخلال در وظایف و اختیاراتی است که به نص قانون اساسی بر عهده این قوه نهاده شده است؛ از این جهت نیز مغایر اصول «۵۷» و «۱۵۶» قانون اساسی شناخته شد. در ضمن چون درخواست مذکور موجب توقف اجرا و آثار و تبعات رأی می‌شود، همان ایراد مربوط به قوه قضائیه، موضوع جزء «الف» بند «۳» [ایراد مذکور در بند ۱-۵-۲] را دارد.

۱-۵-۴- تبصره دو ماده دو: ۹۷

الف- ...

ب- مفاد و مفهوم این تبصره همان ایرادات جزءهای «د» ... بند «۱» [ایراد مذکور در بند ۱-۵-۱] را دارد؛ پس از رفع اشکال، اظهار نظر خواهد شد.

۱-۵-۵- ماده سه: ۹۸

۹۶- ماده ۲- ماده «۱۴» به شرح زیر اصلاح و سه تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۱۴- ...

تبصره ۱- رئیس‌جمهور اگر رأی قضایی را مغایر قانون اساسی تشخیص دهد، نقض رأی مذکور را از دیوان عالی کشور درخواست می‌نماید. این درخواست موجب توقف اجرا و آثار و تبعات رأی تا پایان رسیدگی می‌شود. رئیس قوه قضائیه مکلف است شعبه‌ای خاص در دیوان عالی کشور متشکل از یک رئیس و دو مستشار که دارای پایه یازده قضایی باشند را برای رسیدگی به این درخواست تشکیل دهد.

اعضای این شعبه به انتخاب هیئت عمومی دیوان عالی کشور و با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند.

رسیدگی به درخواست رئیس‌جمهور توسط قضات شعبه مزبور انجام و نظر اکثریت ملاک عمل خواهد بود هنگام رسیدگی هیأتی مرکب از سه حقوق‌دان به انتخاب مجلس شورای اسلامی و سه حقوق‌دان به انتخاب هیئت وزیران در جلسه حضور خواهند داشت و نظرات و توضیحات خود را به شعبه ارائه خواهند نمود در صورت نقض رأی از سوی شعبه مزبور پرونده جهت رسیدگی به مرجع قضایی صالح ارسال می‌شود و آن مرجع مکلف به تبعیت از نظر شعبه خاص دیوان عالی کشور خواهد بود (در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه به سرانجام قانونی نرسیده است).

۹۷- ماده ۲- ماده «۱۴» به شرح زیر اصلاح و سه تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۱۴- ...

تبصره ۲- اقدامات نظارتی و مصوبات مجلس شورای اسلامی با رعایت ضوابط مقرر و تفسیر شورای نگهبان (در چهارچوب قانون اساسی) از اصول قانون اساسی. (در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه به سرانجام قانونی نرسیده است).

۹۸- ماده ۳- ماده «۱۵» به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۵- به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس‌جمهور می‌تواند در صورت احراز تخلف به هر یک از قوای مقننه و قضائیه و مجریه و نهادهای حکومتی تذکر و اخطار دهد.

الف- این ماده ایرادات جزءهای «الف، ب، د، ه» بند «۱» [ایراد مذکور در بند ۱-۵-۱] و بندهای «۳» [ایراد مذکور در بند ۱-۵-۲] و... را دارد.

۱-۶- نظر شماره ۸۳/۳۰/۷۴۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۳/۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی

۲- نظرات شورای نگهبان در خصوص اساس نامه های مصوب هیأت وزیران

۳- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان

۳-۱- نظریه تفسیری شماره ۷۵/۲۱/۰۶۵۰ مورخ ۱۳۷۵/۴/۱۲ شورای نگهبان در خصوص استفسار رئیس جمهور:

شماره: ۸۲۰۹۶

تاریخ: ۱۳۷۴/۱۱/۱۴

شورای محترم نگهبان

نظر به این که تشخیص قانون مؤخر با عنایت به تحوّل و اصلاح قوانین، امری ضروری است و در مواردی احراز تقدّم و تأخر، مستلزم آن است که معین شود اعتبار قانون متکی به تصویب یا تأیید شورای نگهبان می باشد، علی هذا با توجه به اصل «۷۱» قانون اساسی که وضع قانون را به مجلس شورای اسلامی محوّل نموده و اصل «۹۳» که مجلس را بدون شورای نگهبان، فاقد اعتبار قانونی اعلام داشته، نظر تفسیری آن شورای محترم در مسئله زیر مورد تقاضاست:

آیا در تشخیص قانون مؤخر، تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی مؤثر در مقام است یا ملاک، تأیید شورای نگهبان می باشد؟

برای مزید استحضار و به عنوان نمونه اضافه می نماید قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور با قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، در موارد متعدد، تعارض دارد که لازم است تأخیریکی از آنها احراز شود، خصوصاً این که زمان تصویب، زمان اجرا و زمان تأیید شورای نگهبان در مورد آنها به شرح زیر بوده است:

ترتیب اثر ندادن به تذکر و اخطار رئیس جمهور، می تواند به اقدامات مذکور در ماده «۱۴» این قانون و تبصره «۱» آن منجر شود. (در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه، به سرانجام قانونی نرسیده است.)

قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور	قانون نحوه وصول برخی از درآمدها	
۱۳۷۳/۱۲/۲۸	۱۳۷۳/۱۲/۲۸	زمان تصویب
مؤخر (بعد از دستور جلسه ش ۷- ص ۲۸)	مقدم (دستور جلسه ش ۶- ص ۲۵)	ساعت تصویب
۱۳۷۴/۱/۱	۱۳۷۴/۱/۱	زمان قابلیت اجراء
مقدم: ۱۳۷۳/۱۲/۲۸	مؤخر: ۱۳۷۴/۱/۱۶	تأیید شورای نگهبان

طبیعی است در صورتی که ملاک در مسئله مطروحه، زمان تصویب باشد قانون بودجه کل کشور که در روز ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ در دستور بعدی مجلس قرار داشته مؤخر است و چنان که تأیید شورای نگهبان، ملاک در اعتبار قانون باشد قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، قانون مؤخر است، ولو آن که قابلیت اجرای هر دو ۷۴/۱/۱ بوده است.

رئیس جمهور

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۷۵/۲۱/۰۶۵۰

تاریخ: ۱۳۷۵/۴/۱۲

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

نامه شماره ۸۲۰۹۶ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۱۴ در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۴/۶ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می شود:

«بدون تردید اعتبار قانونی مصوبات مجلس شورای اسلامی منوط به اظهار نظر شورای نگهبان است و در مقام تعارض دو قانون که شورای نگهبان هر دو را تأیید نموده است، معیار و ملاک، تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی است و در صورت وحدت زمان، قانون خاص، قانون عام را تخصیص می زند».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

۴- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی

۴-۱- نظر شماره ۷۸۸۹ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۹ شورای نگهبان در خصوص استعلام معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف:

شماره: ۱۰۰/۴۱۱۵

تاریخ: ۱۳۶۱/۵/۱۷

شورای محترم نگهبان

احتراماً با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و روان پاک شهیدان گلگون کفن اسلام عزیز و امت همیشه بیدار و رزمندگان کفرستیز جبهه حق علیه باطل و خدمت گزاران دولت جمهوری اسلامی ایران، همان گونه که استحضار دارید وقف و ایقاف یکی از ابواب فقه اسلامی بوده و دارای آثار گسترده‌ای در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خیرات و مبرات و امور عام‌المنفعه می‌باشد که موجب تعدیل ثروت و رفع نیاز محتاجان و در عین حال ماندن اصل موقوفه است، لیکن همچون بسیاری از پدیده‌های اسلامی ناشناخته مانده است.

از آن جا که سازمان اوقاف مسئول حفظ و نگهداری موقوفات و نظارت بر وصول عواید و هزینه‌های آن براساس مفاد وقف‌نامه‌ها در زمینه‌های زیر می‌باشد:

الف- تعمیر، نوسازی، احداث مساجد، تکایا، مدارس علوم دینی و اماکن و بقاع متبرکه اسلامی و زائرسراها و همچنین عمران و آبادی موقوفات در سراسر کشور (چه در روستاهای دوردست و یا شهرهای بزرگ)، جهت افزایش بهره‌وری و حفظ عین آن‌ها.

ب- کمک به هزینه‌های طلاب و مدرسین علوم دینی، اهدای کتاب و نشریات اسلامی، تشکیل کلاس‌های آموزش قرائت قرآن کریم و برگزاری مسابقات آن، اعزام مبلغین مذهبی، اعزام قاریان و حافظان قرآن مجید به مسابقات بین‌المللی و... به منظور نشر و تبلیغ فرهنگ و معارف اصیل اسلامی در سطح جهان.

ج- برپایی مراسم عزاداری خامس آل عبا و دیگر ائمه طاهرین علیهم‌السلام و نیز اطعام در ایام و لیالی تعیین شده.

د- انجام امور مربوط به وصول و ایصال عواید موقوفات، جلوگیری از تجاوز و حیف و میل رقبات وقفی، نظارت بر اعمال متولیات و نظار و امنای آن‌ها، طرح دعاوی و اقدامات ثبتی و حقوقی در مراجع ذی صلاح، عزل و یا ممنوع‌المدخله نمودن ناصالحان دخیل در امور موقوفات براساس موازین فقهی و حقوقی.

ه- اداره امور پرورشگاه‌ها و بیمارستان‌ها و مؤسسات خیریه و دارالایتام و کارگاه‌های موقوفه، کمک به معیشت و بهداشت و درمان مستمندان و همچنین فراهم آوردن امکانات برای محصلین کم‌بضاعت.

و- کشف موقوفات شناخته نشده و اقدام برای به ثبت رساندن و عمران و آبادی آن‌ها که تعداد این‌گونه رقبات در گوشه و کنار کشور بسیار زیاد و خارج از احصاء می‌باشد.

ز- به‌کارگرفتن نیروی مردمی امت همیشه در صحنه برای تشکیل هیئت‌های امنا و نظار با همکاری ائمه محترم جمعه و جماعت، فرمانداران و معتمدین محل برای اداره موقوفات مجهول‌التولیه و یا بدون متولی و اماکن متبرکه مذهبی در سراسر کشور.

بنابراین ملاحظه می‌فرمایند که این سازمان براساس وظایف شرعی و قانونی، و در اجرای نیات واقفین طبق وقف‌نامه‌ها چه رسالت سنگین و پر محتوی و گسترده‌ای را برعهده دارد، و چنانچه اهداف مذکور به‌طور کامل به مرحله عمل و اجرا درآید چه تحول عظیمی در جهات فوق در جامعه اسلامی ایران حتی بیرون از مرزها پدید خواهد آمد و به‌گفته برادر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در جمع مسئولان اوقاف سراسر کشور در رابطه با ارزش و اهمیت ناشناخته و فراوان وقف، وظایف خطیر خدمت‌گزاران اوقاف در این برهه حساس از زمان «اگر جریانات موقوفات درست عمل بشود، اوقاف وارث یک ثلث از ثروت همه جهان اسلام می‌شود؛ یعنی یک چیز عظیمی که هیچ دولتی هم در دنیا آن‌قدر ندارد و نمی‌تواند داشته باشد «و یا» با صحت عمل می‌توانید اعتماد مردم را جلب و آن‌ها را قانع بکنید که چیزی را که وقف می‌کنند به‌عنوان یک صدقه جاریه تا پایان جهان برایشان می‌ماند و بدین ترتیب کمبودها و نیازهای جامعه پر خواهد شد.» لذا مشاهده می‌شود پدیده وقف، سیستمی خودکار و بسیار عمیق در جهت تعالی اجتماعی از جمله رفاه و نوع‌دوستی و همبستگی عموم مردم بوده و از افتخارات مکتب اسلام‌ساز اسلام می‌باشد.

اکنون که به برکت برقراری نظام جمهوری اسلامی زمینه پیاده شدن احکام و قوانین اسلام فراهم گردیده سازمان اوقاف که اساساً یک ارگان اسلامی است می‌باید به‌طور دقیق و کامل به‌وظایف پُر باری که بدان‌ها اشاره رفت عمل نماید. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، این سازمان شاید بیشتر از «۲۰٪» وظایف شرعی خود را انجام نمی‌داده است، آن هم اموری را که خواست رژیم طاغوت بوده و برای این‌که اهمیت و ارزش وقف و ایقاف معلوم نباشد تا بتوانند در دارایی و درآمد موقوفات به هر نحوی که می‌خواستند به نفع خود و وابستگان دخل و تصرف نمایند، برخلاف رویه معمول در ممالک اسلامی که وزارتخانه‌ای عهده‌دار انجام امور اداره موقوفات می‌باشد، تشکیلات اداره امور این امر مهم که به‌خصوص در ایران با فرهنگ ویژه اسلامی خویش از اهمیت خاصی برخوردار است را به صورت سازمانی زیر نظر نخست‌وزیر قرار داده بودند تا کسی پاسخگوی حیف و میل آنان نباشد؛ چراکه نخست‌وزیر هم هیچ وقت مورد سؤال و

بازخواست قرار نمی گرفته و در نتیجه بر سر موقوفات آن رفت که نباید می رفت، یعنی هزاران موقوفه با رقبات فراوان و میلیون ها هکتار اراضی مزروعی و عواید حاصله از ید اوقاف خارج و یا به جیب موقوفه خواران رفت.

با عنایت به مطالب مطروحه فوق به خاطر این اهمال کاری ها و خیانت ها موقوفاتی که می بایست در آمد سالیانه آن ها بیشتر از میلیارد ها میلیارد ریال باشد، اکنون فقط رقمی نزدیک به یک میلیارد ریال را بالغ می شود که این رقم فعلاً صرف قسمت ناچیزی از نیات واقفین می گردد. جای یادآوری است که اگر این مبلغ نیز توسط اوقاف صرف خدمات عام المنفعه و اموری که شرح آن در ابتدا گذشت نمی گردید، دستگاه های دولتی ناچار بودند برای انجام خدمات مزبور از نیروی انسانی زیاد و با هزینه های سنگین تری استفاده کنند.

اینک سازمان اوقاف با تشکیلاتی محدود و نامتناسب با اهداف وقف و ایقاف در برابر انتظارات بسیار وسیع مردمی که برای پیاده شدن احکام اسلام قیام و انقلاب نموده اند و به خصوص خواسته و نیات واقفین که از قرن ها پیش با خلوص نیت و به قصد تقرب به خدا اموال خود را در راه خدمت به اسلام و مسلمین وقف نموده اند قرار گرفته است و وظیفه خود می داند تا این نارسایی ها و همچنین انتظارات امت را با مسئولین و تصمیم گیرندگان طراز اول کشور در میان گذاشته و پیشنهاد نماید تا برای تحقق هرچه بیشتر وظایف اوقافی دولت جمهوری اسلامی تشکیلات اداری آن را همچون دیگر کشورهای اسلامی، که تعداد موقوفات و گستردگی حوزه عمل نیات واقفین آن ها به مراتب بسیار کمتر از این سرزمین الهی می باشد به وزارتخانه ای کارآمد با سرپرستی وزیری مجتهد جامع الشرایط تبدیل و حداکثر حمایت را مبذول فرمایند تا دستگاه جدید با یک تشکیلات مناسب و سازمان یافته در چارچوب موازین اسلامی بتواند کلیه اهداف و امور مربوط به وقف و نیز اموری را که در حال حاضر قسمتی از آن به علت نقص تشکیلاتی به وسیله نهادهایی همچون بنیاد مستضعفان، بنیاد علوی و دیگر مؤسسات غیرانتفاعی خیریه انجام می شود تحت پوشش گرفته و هماهنگ نماید؛ زیرا تشکیلات فعلی که بازمانده رژیم گذشته و به منظور تحقق مقاصد پلید طاغوت شکل گرفته است، اگر چه چندین بار اصلاح گردیده، لیکن به هیچ وجه جواب گوی انتظارات امت شهیدپرور و هدف اصلی اوقاف نمی باشد.

در این رابطه حتی عده ای از برادران محترم نماینده مجلس شورای اسلامی و مسئولین کشور نیز در تماس های متعدد سؤال نموده اند که چرا تا به حال در این مورد اقدامی نشده و این نقیصه بزرگ رفع نگردیده است، و به دلیل احساس مسئولیت شرعی بارها بر لزوم ایجاد یک دستگاه اجرایی قوی در سطح وزارتخانه به منظور حفظ و حراست از این پدیده فرهنگ اصیل اسلامی تاکید و اصرار فراوان داشته اند؛ چون خود شاهد ارتباط بسیاری از مسائل مطروحه در مجلس شورای اسلامی و هیأت دولت با اوقاف بوده اند، از قبیل اراضی داخل شهری موقوفه، واحدهای مستغلاتی و تجاری موقوفه سراسر شهرها، اراضی گورستان های متروکه موقوفه، باغ ها و اراضی مزروعی موقوفه اعم از دایر و بایر، معادن موقوفه و

امید است آن مقام مسئول و دلسوز برای جبران خسارات گذشته و برطرف نمودن این کمبود فاحش اقدام لازم را معمول فرمایند که خدمتی بزرگ و تاریخی به جامعه اسلامی بوده و به تحقق اهداف انقلاب کمک شایانی خواهد نمود، و این خود سرآغازی برای احیای موقوفات و بهره‌وری کامل از آن‌ها و به جای نهادن باقیات‌الصالحاتی عظیم و سازنده است.

با آرزوی توفیق و تأیید هرچه بیشتر آن برادران عزیز در راه خدمت به اسلام.

محمد رضا اعتمادیان

معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف

شماره: ۷۸۸۹

تاریخ: ۱۳۶۱/۱۲/۹

معاونت محترم نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف

در پاسخ نامه طولانی و مفصل شما و با معذرت از تأخیر در جواب به واسطه تراکم کار اشعار می‌دارد: «تأسیس وزارتخانه مستقل به نام اوقاف تحت وزارت مجتهد جامع‌الشرایط با قانون اساسی مغایرت ندارد، ولی تشخیص لزوم و تصویب آن با مجلس شورای اسلامی است.»

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

محسن هادوی